

<div>گزارش</div>
<div>معمومه‌محرمی</div>
روزنامه‌نگار

در سالروز رحلت روحانی مجاهد و مقاوم، زنده یاد حجت‌الاسلام والمسلمین حاج غلام‌رضا حسنی و در بازخوانی تکاپوی داثمی او در حراست از تمامیت ارضی ایران و نظام اسلامی، با راضیه پور حیدر، مدیر حوزه علمیه الزهرا(س) ارومیه، به گفت‌وگو نشستند.
وی در این مجال با استناد به خاطرات خویش از سیره آن بزرگ، به تبیین کارنامه وی پرداخته است.
امید که علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

طبعاً نخستین پرسش ما در این گفت و شنود، این است که شما از چه مقطعی چه‌گونه با زنده یاد حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلام‌رضا حسنی، امام جمعه فقید ارومیه، آشنا شدید؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. از حضرت حق شکر گزارم که امروز، در احیای یاد و خاطره بزرگمرد بی‌بدیل آذربایجان، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلام‌رضا حسنی(رضوان‌الله تعالی علیه) انجام وظیفه می‌کنم. از حسن توجه شما و همکارانتان، در خصوص جمع‌آوری خاطرات مربوط به زندگی ایشان نیز تشکر می‌کنم.

قبل از هر چیز باید به این نکته اشاره کنم که تمامی ساکنان شهر ارومیه، قطعاً مرحوم آقای حسنی را به اجمال یا تفصیلی می‌شناسند. آقای حسنی شخصیتی نیست که صرفاً با انقلاب اسلامی شناخته شده باشند بلکه کسانی که پیش از انقلاب با روحانیت و مبارزه مانوس بودند، ایشان را می‌شناختند.
حکرت‌هایی که ایشان در دوره قبل از انقلاب داشتند، به‌صورت مخفیانه و در خانواده‌های مذهبی مطرح می‌شد.
خاطرم هست که در همسایگی ما، روحانی بزرگوارى سکونت داشت به نام مرحوم حجت‌الاسلام سیدحمزه موسوی شیشووانی که بعدها نماینده مقام معظم رهبری در قرارگاه حمزه سیدالشهدا(ع) شدند. ما همسایه دیوار به دیوار بودیم. ایشان از مبارزین ۱۵خرداد ۱۳۴۲ در قم، امام جماعت مسجد جنرال و از یاران نزدیک حاج‌آقا حسینی بودند. آن بزرگوار، مدام توسط ساواک دستگیر و شکنجه می‌شدند.
و از یاران نزدیک حاج‌آقا حسینی بودند. آن بزرگوار، حتی در اثر این شکنجه‌ها، دچار لکت‌زبان شده بودند؛ من با دخترشان هم‌مدرسه‌ای و در جریان بسیاری از وقایع خانواده و مبارزات پدشاهن بودم. هر وقت ساواک پدشاهن را دستگیر می‌کرد، سراغ مادرم می‌آمد و می‌گفت: «مادرم غش کرده، بیایید و به داد ما برسید!».
مادرشان اهل قم بودند و در مجموع، صمیمیت خاصی بین ما حاکم بود. بخشی از اطلاعات ما درباره حاج‌آقا در دوره قبل از انقلاب، از طریق این خانواده‌به‌دست می‌آمد. آقای حسنی دفتر ازدواج و طلاق داشتند و عقد خواهر من را هم ایشان خواندند. در دوران اوج گیری انقلاب، و به همراه بزرگ‌ترها، در تظاهرات علیه رژیم گذشته شرکت می‌کردیم و رهبری تظاهرات‌ها با آقای حسنی بود.

وقتی در تظاهرات شرکت می‌کردیم، به ما می‌گفتند: «اگر در راهپیمایی‌ها شرکت کنید، به شما مارکسیست اسلامی می‌گویند...». اما برای ما این حرف‌ها مهم نبود. با دختر آقای موسوی و چند نفر از بچه‌ها، در مدرسه فرار و در تظاهرات شرکت می‌کردیم. دست‌ها را در گره گرفته، باها را به زمین می‌کوبیدیم و شعار می‌دادیم.ی رهبری حاج‌آقا در تظاهرات و مبارزات در ارومیه، باعث قوت قلب ما می‌شد.
آقای حسنی از سال ۱۳۴۰، چریک تربیت می‌کردند؛ در کوه‌های اطراف روستای بزرگ‌آباد، به ۴۰ نفر و شاید بیشتر، تیراندازی یاد می‌دادند. پیش‌تر در دوران جوانی و زمان پهلوی اول، در مقابل خان‌ها ایستاده بودند و در زمان پهلوی دوم، پیشرو حرکت‌های انقلابی در منزل بودیم. اما اواخر می‌رسید. زمانی که آنجا را محاصره کردند، از بلندگوی مسجد اعلام شد: آقای حسنی در تظاهرات شرکت کرده، مردم به دادشان برسید! مادرم که برای خرید عروسی خواهرم در خیابان بود، می‌گفت: برف باریده بود و از خون افراد مجروح، بخار بلند می‌شد!اگر رشادتهای آقای حسنی و یارانش نبود، معلوم نبود که چه بر سر شهر بیاید!

از منظر شما، چه ویژگی‌هایی در شخصیت فردی و اجتماعی زنده یاد حسنی برجسته‌ترند؟
حاج‌آقا ویژگی‌های برجسته زیادی داشتند. در ارتباط با خدا، مقید به نماز اول وقت و نوافل بودند. بارها در جلسات عمومی و خصوصی، شاهد بودم که با شنیدن صدای اذان، جلسه را ترک و نماز اول وقت را اقامه می‌کردند. در بعد اجتماعی، بسیار مردم‌دار بودند. ما نشیندیم که هیچ وقت دخترشان، روی کسی باز نباشد. رئیس‌جمهور با فرد عادی روستایی، برایشان فرقی نداشت؛ به‌دلیل همین روحیه، مردم خیلی با ایشان راحت بودند.
اصولاً عالم باید اینگونه باشد. بسیار مهربان بودند. همیشه از محصولات باغشان به حوزه می‌فرستادند.
کما اینکه از آن به فرقا هم کمک می‌کردند. به ما همیشه امر می‌کردند که بسته‌های کمک را شبانه به در منزل طلاب نیازمند ببرید که دیگران مطلع نشوند. بعضی از طلبه‌ها، ایشان را شبانه و در حال تقسیم ارزاق، با اورکت و کلاه دیده بودند. ایشان فردی تکلیف‌گرا نبودند. مجاری معرفی فرزندان‌آقا شید به کمیته انقلاب، به‌دلیل همین روحیه بود. فرزندان‌ش در دوره قبل از انقلاب، در خط مبارزه بود. اما بعد از انقلاب با مبانی نظام اسلامی زاویه گرفت؛ حاج‌آقا هم از او اعلام برائت کردند.
مالان، چند نفر از این شخصیت‌ها در کشور داریم؟

فردی قاطع و شجاع بودند. از کسی نمی‌ترسیدند. وقتی پای مصالح اسلام و انقلاب در میان بود، با کسی تعارف نمی‌کردند. ایشان در جریان سفر رئیس‌جمهوری دوران اصلاحات، به استقبال او نرفتند؛ علمای دیگر



مردی که برای انقلاب چریک تربیت می‌کرد

جستارهایی در سیره سیاسی زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا حسنی در گفت و شنود با راضیه پور حیدر

رفتند، اما حاج‌آقا نه! چون می‌دانستند که اگر بروند، او را تأیید کرده‌اند و چه بسا این عدم‌حضور، اعتراضی به اقدامات او و اطرافیان‌ش باشد.
یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ایشان، ولایت‌مداری بود. تابع بی‌چون و چرای امام و رهبری بودند و البته این علاقه متقابل بود. زمانی که مسئولان در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی و در کنگره ۱۲هزار شهید استان، نامی از حاج‌آقا نبردند، وقتی حضرت آقا سخنرانی خودشان را شروع کردند، فرمودند: «جادار که از آقای حسنی و سرورهنگ زدگانی هم یسادی بکنیم...».
ایشان زرفاندیشی و شخصیت‌شناسی ویژه‌ای داشتند، به‌طوری که صحت نظرات‌شان در مورد برخی افراد، بعد از سال‌ها برای اطرافیان و مردم مسلج می‌شد.

زنده یاد حسینی به‌عنوان نماد غیرت آذربایجان شناخته می‌شود. مناسب است تا به فرازهایی از تاریخچه ایستادگی ایشان، در برابر گروهک‌ها اشاره کنید؟

بله. امروز در ارومیه و آذربایجان، از ایشان به‌عنوان نماد غیرت یاد می‌شود. در جریان حمله حزب دمکرات به شهرستان نقده، چه‌کسی توانست مردم شهر را از منطقه نجات دهد؛ پنده بزرگ سردار، در یکی از دبیرستان‌ها، به این شهر سفری داشتم.

مدیر مدرسه و همسرشان، با افتخار از حاج‌آقا یاد می‌کردند و ادعان داشتند: شما ایشان را نمی‌شناسید، ما او را می‌شناسیم که چه غیرمردی بود!...
اگر ما می‌بینیم که در تشییع پیکر ایشان، مردم فوج فوج شرکت کردند، به‌خاطر قدردانی از دلآوری‌ها و شجاعت ایشان بود. اگر حاج‌آقا نبود، امروز داعش آن زمان، در منطقه ما بود! گروه کومه و حزب دمکرات، حقیقتاً می‌کشند و سر می‌بریند، ما درناشان با گلوله می‌کشند و زنانشان هم با تیر تکه‌تکه می‌کردند!
حزب دمکرات، برای شهرستان ارومیه هم برنامه داشت. آنها در فکر تأسیس کردستان بزرگ بودند که شهر ارومیه پایتخت آن باشد؛ به‌خاطر دارم که حاج‌آقا برای ما تشریح کردند که برنامه اینها چه بود! ایشان همچنین به ما گفتند: «حواستان باشد و به مردم هم اعلام کنید که به افراد نزدیک به کومه‌ها خانه نرفتند و همه آنها مسلح‌اند و اگر کوچک‌ترین مسئله‌ای پیش بیاید، شما را قلع و قمع خواهند

کرد...». بعد از پیروزی انقلاب و برای حفظ امنیت شهر، دستور داده بودند که هر کس جلوی کوچه خودشان نگهبانی بدهد تا کومه‌ها نتوانند شهر را در اختیار بگیرند. زمانی بود که مامد(از رهبران حزب دمکرات)، می‌خواست از سمت روستای ژازان به سمت شهر حمله کند. حاج‌آقا با درایت و تیزهوشی، با همکاری مردم همین خیابان، در پشت‌بام خانه‌هایشان سنگر درست کردند. وقتی خبر می‌رسد که آنها می‌خواهند حمله کنند، ایشان با بلندگوی دستی به آنها اعلام می‌کنند که شما مورد محاصره‌اید! ما نمی‌خواهیم خون‌ریزی و برادر به جان برادر ببیند. آنها وقتی آمادگی ایشان و مدافعین را می‌بینند، عقب‌نشینی می‌کنند؛ حاج‌آقا با نیروهایش اینها را تعقیب می‌کنند تا اینکه از منطقه خارج می‌شوند. در غائله مربوط به دستگیری اوج‌آلان، سطح آشوب‌ها در شهر به حدی بود که نیروهای نظامی و انتظامی وارد عمل شدند ولی کنترل اوضاع خیلی سخت بود. این بار هم حاج‌آقا، با اعماه‌ای که خود آن را به کفن خویش تبدیل کرده بود، وارد میدان شدند و شبه‌نظامیان وابسته به پ‌ک‌ک، ترس گرفتند!ایشان حق بزرگی بسر ما و امنیت آذربایجان دارند.

شما به‌عنوان رئیس حوزه علمیه خواهران در شهر ارومیه، از اقدامات زنده یاد حسنی در توسعه این نهاد و مؤسسات مربوطه، چه تحلیلی دارید؟

ما در قم بودیم که مطلع شدیم حاج‌آقا می‌خواهند در برخلاف برخی روحانیون، نسبت به بانوان نگرش روشنگرانه‌ای داشتند. معتقد بودند که در راستای رشد فرهنگی جامعه، بانوان می‌توانند میدان‌داری کنند و تأثیر بسزایی داشته باشند. بنده را هم مکلف کردند که مدیریت حوزه را بر عهده بگیرم که ابتدا نپذیرفتم؛ دوست نداشتم از فضای درس و محیط معنوی حوزه قم جدا شوم ولی به‌خاطر تکلیفی که بر عهده من گذاشته بودند، نهایتاً قبول کردم و آمدم. حتی ورود بنده به عرصه انتخابات هم بنا به تکلیفی بود که ایشان بر عهده‌ام گذاشتند. قبل از انقلاب حوزه علمیه محمدیه، مرکز فرماندهی فرهنگی و مبارزاتی



راضیه پور حیدر،مدیر حوزه علمیه الزهرا(س) ارومیه

تاریخ



دهه ۸۰، سرعبد حجت‌الاسلام والمسلمین غلام‌رضا حسنی، با لباس نظامی و مسلمان مردم

ایشان بود. الان این مرکز در اختیار ماست. هر وقت که ایشان به آنجا تشریف می‌آوردند، از خاطرات مبارزاتی خودشان تعریف می‌کردند.ایشان حوزه‌های علمیه را محل اشاعه فرهنگ دینی می‌دانستند. در سایر شهرستان‌ها هم اقدام به تأسیس حوزه علمیه خواهران کردند. ما که در سال ۱۳۷۸ با ارومیه آمدم، اصلاً مبلغ دینی نرند؛ناشتم! ساماندهی مبلغان، از حوزه شروع شد و البته منحصربه‌حوزه هم نماند. از همان زمان با راهنمایی ایشان، کار زیربنایی فرهنگی را شروع کردیم. با همکاری دوستان دبیرستان سمیه که قبل از انقلاب کانون فعالان مذهبی‌شان بود، فعالیت‌های ما آغاز شد. ایشان اعتقاد داشتند که آقایان طلاب جوان را زود معمم نکند؛ چون مردم از اینها توقع دارند و سلب دین هستند. همیشه تاکید می‌کردند که به طبله‌هایتان بگویید: «باید خوب درس بخواند،اگر نمره پایین‌تر از ۱۵ آوردند،عذرشان را بخواهید، اینها به درد جامعه نمی‌خورند!...» ایشان چون روحیه نظامی داشتند، امر می‌کردند: «به طلاب آموزش نظامی هم بدهید!...». ذهنی فعال و پیشرو داشتند. نخستین اعتکاف در استان را ما در حوزه و زیر نظر حاج‌آقا شروع کردیم و بحمدالله الان نزدیک به ۲۰ سال است که رونق دارد. به هر حال وی زنگت ما در حوزه‌های علمیه استان، حاج‌آقا بودند. قرار است تا یادمانی هم برای ایشان، در حوزه داشته باشیم.

با توجه به اینکه استان آذربایجان غربی، خصوصاً شهر ارومیه، دارای تنوع قومیتی است، نقش زنده یاد حسنی را در ایجاد اتحاد میان اقوام، مذاهب و ادیان، چگونه ارزیابی می‌کنید؟
یکی از اقدامات مؤثر حاج‌آقا، تلاش برای وحدت کرد و ترک بود. آنها در تظاهرات قبل از انقلاب هم، دوشادوش هم شرکت می‌کردند و با هم شعار: «کرد و عجم فرقی نیه، رهبر فقط خمینیه» سر می‌دادند. ایشان در آن مقطع تشخیص داده بودند که باید ترک و کرد در یک صف قرار بگیرند، و گرنه از این موضوع سوءاستفاده خواهد شد. اینکه در تظاهرات ضد رژیم پهلوی، ترک و کرد در کنار هم بودند، از عمق نگاه ایشان به مسئله وحدت نشأت می‌گرفت. البته این مسئله‌ای که می‌گویند، ایشان با اکراد بد بودند، اصلاً صحت ندارد؛وقتی کومه‌ها، پاسدارهای کمیته‌های ما را اسیر می‌گرفتند، با پاسدارهای ما از آنها اسیر می‌گرفتند، کسانی که برای مبارده می‌رفتند، زیر نظر حاج‌آقا بودند!خاطرم هست که در دوران دبیرستان، ما به همراه جمعی از دوستان، در هتل رضای ارومیه با برخی از اهل سنت مباحثه داشتیم. این تفکر حاج‌آقا، به‌منظور ایجاد نزدیکی و صمیمیت بین ما و اهل سنت بود. بعد هم که بحث تقرب مذاهب مطرح شد، ایشان بنده را برای عضویت در مجمع مربوطه معرفی کردند. ایشان نه‌تنها با علمای اهل سنت، بلکه با مسیحیان و آشوریان نیز رابطه بسیار خوبی داشتند. شما می‌دانید که استان آذربایجان غربی، و در مسجد مهدی‌القدم، گوسفند قربانی می‌کنند و در میان نیازمندان مسیحی تقسیم می‌کنند. در روز نهم‌شعبان هم اسقف‌شان را به مراسم دعوت می‌کنند که آنها با تاج گل‌های بزرگ، در مراسم شرکت می‌کنند. این برنامه‌ها را حاج‌آقا باب کرد.

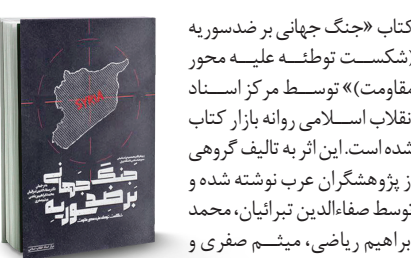
بخبیر شدیم که قرار است حاج‌آقا حسنی به منزل ما تشریف بیاورند، وقتی این را گفتند، طبعاً باید اطاعت امر می‌شد. حاج‌آقا جایگاهی داشتند که کسی نمی‌توانست از دستورشان سرپیچی کند! البته پذیرش‌شان، در قلوب مردم بود. کسانی که ایشان را دوست داشتند، جان‌نثارشان بودند. به هر حال نمی‌دانم که حاج‌آقا، کجا نماز را خوانده بودند که با آن سرعت به منزل ما رسیدند. چون ایشان خیلی مقید به نماز اول وقت بودند؛ در از زدند و همراه با عده‌ای از اطرافیان، وارد منزل ما شدند. بعد از اینکه نشستند، امر فرمودند: «حاج‌خانم! بیا و بنشین».
گفتم: حاج‌آقا اجازه بدهید جای بیاورم. گفتند: «نه». من به همسر اشاره کردم که شما جای بیاور و بنده دو زانو، رو به‌روی حاج‌آقا نشستم! ایشان به همسر هم گفتند: «شما هم بیا و بنشین، ما کار واجب داریم». حتی اجازه پذیرایی هم ندادند. فرمایش‌شان این بود که باید نامزد انتخابات مجلس شوید.
همراهن حاج‌آقا که جمعی از نیروهای انقلابی شهر بودند نیز قول همکاری دادند. حالا بماند که نهایتاً چه شد؛ حرکتی که جبهه مقابل داشتند، این بود که به هر قیمتی، کاندیدای خود را بر کرسی مجلس نشانند!؛ به هر حال اگر وارد آن صحنه شدم، به‌خاطر تکلیفی بود که حاج‌آقا بر عهده‌ام گذاشتند.

به‌عنوان رئیس حوزه علمیه خواهران در شهر ارومیه، از اقدامات زنده یاد حسنی در توسعه این نهاد و مؤسسات مربوطه، چه تحلیلی دارید؟
ما در قم بودیم که مطلع شدیم حاج‌آقا می‌خواهند در حوزه علمیه تأسیس کنند. آقای حسنی برخلاف برخی روحانیون، نسبت به بانوان نگرش روشنگرانه‌ای داشتند. معتقد بودند که در راستای رشد فرهنگی جامعه، بانوان می‌توانند میدان‌داری کنند و تأثیر بسزایی داشته باشند. بنده را هم مکلف کردند که مدیریت حوزه را بر عهده بگیرم که ابتدا نپذیرفتم؛ دوست نداشتم از فضای درس و محیط معنوی حوزه قم جدا شوم ولی به‌خاطر تکلیفی که بر عهده من گذاشته بودند، نهایتاً قبول کردم و آمدم. حتی ورود بنده به عرصه انتخابات هم بنا به تکلیفی بود که ایشان بر عهده‌ام گذاشتند. قبل از انقلاب حوزه علمیه محمدیه، مرکز فرماندهی فرهنگی و مبارزاتی

مرحوم آقای حسنی، شخصیتی به‌غایت قاطع و شجاع داشتند و از کسی نمی‌ترسیدند. وقتی پای مصالح اسلام و انقلاب در میان بود، با کسی تعارف نمی‌کردند. ایشان در جریان سفر رئیس‌جمهور دوران اصلاحات، به استقبال او نرفتند! علمای دیگر رفتند، اما حاج‌آقا نه! چون می‌دانستند که اگر بروند، در واقع او را تأیید کرده‌اند و چه بسا این عدم حضور، اعتراضی به اقدامات او و اطرافیان‌ش باشد

تاریخ جهان

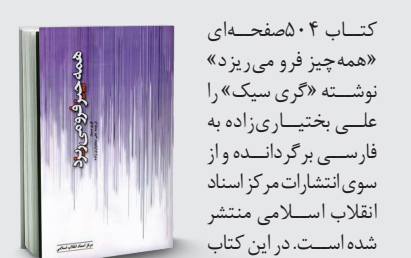
جنگ جهانی بر ضدسوریه



کتاب «جنگ جهانی بر ضدسوریه (شکست توطئه علیه محور مقاومت)» توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی روانه بازار کتاب شده‌است. این اثر به تالیف گروهی از پژوهشگران عرب نوشته شده و توسط صفاه‌الدین تیرانیان، محمد ابراهیم ریاضی، میثم صفری و زیر نظر محمد مهدی اسماعیلی به فارسی ترجمه شده‌است. در مقاله اول کتاب که با عنوان «بحران در سوریه؛ پروژه آشوب در محور مقاومت» توسط محمد مهدی اسماعیلی تالیف شده‌ است، تلاش می‌شود تا فضای تاریخی و فرهنگی سوریه برای خواننده ترسیم شود. مقاله دوم که به قلم دکتر حسن جونی نگاشته شده، به بررسی تهاجم جهانی بر ضدسوریه در چهارچوب نظام حقوق بین‌الملل می‌پردازد. خواننده در سومین مقاله، سا عملکرد گروه‌های تروریستی فعال در جنگ تحمیلی بر سوریه آشنا می‌شود و سرتیپ ترکی حسن، افسر بلندپایه ارتش سوریه در چهارمین مقاله مندرج در این کتاب می‌کوشد تا به این سؤال پاسخ دهد که جنگ علیه سوریه مستعمل بر چه ابعاد و زوایایی بود؟ مقاله بعدی را دکتر ابراهیم علوش قلم زده و کوشیده تا اسناد و پشت‌پرده توطئه‌ها بر ضدسوریه را افشا کند. ششمین مقاله مندرج در کتاب، نقش رژیم صهیونیستی در جنگ علیه سوریه را واکاوی می‌کند و مقاله ششم به بررسی استراتژی دفاعی سوریه در مقابله با تهاجم جهانی می‌پردازد. سرانجام انیس نقاش در مقاله پایانی به بررسی نقش ائتلاف مقاومت در پیروزی سوریه در این جنگ بزرگ پرداخته و سیر تاریخی روابط ایران و سوریه، به‌عنوان دو متحد استراتژیک پس از پیروزی انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌ است.

تاریخ انقلاب

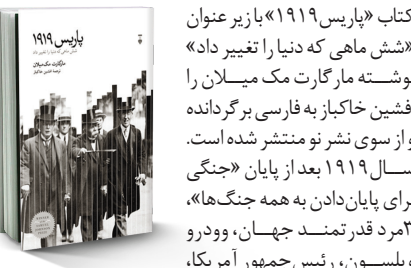
همه چیز فرو می‌ریزد



کتاب ۰۴صفحه‌ای «همه‌چیز فرو می‌ریزد» نوشته «گری سیک» را علی‌بختیاری‌زاده به فارسی برگردانده و از سوی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده‌است. در این کتاب گری سیک، مشاور ارشد شورای امنیت ملی آمریکا در دوره ریاست‌جمهوری کارتر که خود از نزدیک ناظر وقایع دوران پیروزی انقلاب اسلامی بوده‌ است، ضمن بررسی روند شکل‌گیری، استمرار و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، علل سقوط رژیم پهلوی را از دیدگاه خود تبیین کرده، چگونگی استقرار و تاسیس جمهوری اسلامی ایران و تحولات سیاسی سال‌های اولیه پیروزی انقلاب، به‌ویژه دستخیز لانه جاسوسی آمریکا در ایران و بحران ۴۴۴ خروزه گروگانگیری را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌ است. گری سیک زاده ۴ آوریل ۱۹۳۵ در راسل، کانزاس استاد دانشگاه کلمبیاست که بر موضوعات مربوط به دوران مبارزه و به‌ویژه ایران فعالیت می‌کند. وی در شورای ریاست‌جمهوری جرالد فورد، جیمی کارتر و رونالد ریگان از اعضای شورای امنیت ملی دولت آمریکا بوده‌ است. او از سال ۱۹۹۳ مدیر پروژه خلیج ۲۰۰۰ در دانشگاه کلمبیاست. شهرت وی به‌خاطر ارائه نظریه October Surprise در قبال واقعه گروگانگیری ایران است. وی کتابی به همین نام به چاپ رسانده‌ است.

تاریخ جهان

پاریس ۱۹۱۹



کتاب «پاریس ۱۹۱۹» با زیر عنوان «شش ماهی که دنیا را تغییر داد» نوشته مارگارت مک میلان را افشین خاکباز به فارسی برگردانده و از سوی نشر نو منتشر شده‌ است. سال ۱۹۱۹ بعد از پایان «حتگی» برای پایان‌دین به همه جنگ‌ها، آرم قدرتمند جهان، وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور آمریکا، دیوید لوید جورج، نخست‌وزیر بریتانیا و ژرژ کلمنسو، نخست‌وزیر فرانسه هم‌ه در پاریس برای برقراری صلحی پایدار با یکدیگر گفت‌وگو کردند. مارگارت مک میلان در این اثر برجسته، تاریخ روایی ژرفاندیشانه و هیجان‌انگیزی از آن روزهای سرنوشت‌ساز ارائه می‌دهد؛ رو‌هایی که به پیدایش خاورمیانه جدید و کشورهای جدیدی همچون عراق و یوسلایوی و فلسطین از ویرانه‌های امپراتوری عثمانی منبث شده‌ است.
پس از پیروزی در جنگ جهانی اول، نتایجمید و بتر‌های جنگ جهانی دوم و فجاج این را در خود پروراند؛ فجایی که تا امروز نیز ادامه دارد. مارگارت مک میلان، تاریخ‌نگار کاندایی، استاد دانشگاه آکسفورد و کالج تربیتی و دانشگاه تورنتو بریتانیا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم است. او نوه دیوید لوید جورج، یکی از بازگیران اصلی سیاست جهانی قبل و بعد از جنگ جهانی اول است.
آدم‌شدهن برای صلح، نظم نوین جهانی، بازهم بالکن مسئله‌المن، در میان شرق و غرب، پهار پردردسر، به آتش کشیدن خاورمیانه و پایان کار، عناوین بخش این کتاب خواندنی‌اند. ۱۸صفحه از کتاب نیز دربرگیرنده تصاویر و نقشه‌های تاریخی با شرح هستند. چاپ دوم پاریس ۱۹۱۹ در ۸۰۸صفحه با شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه می‌پهای ۲۵۰هزار تومان به‌تازگی از سوی نشر نو منتشر شده‌ است.